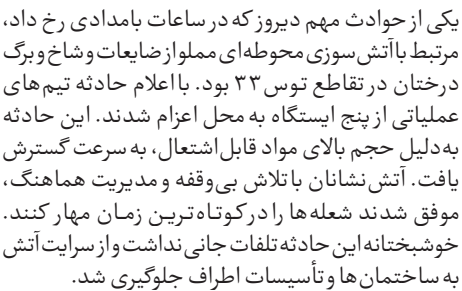
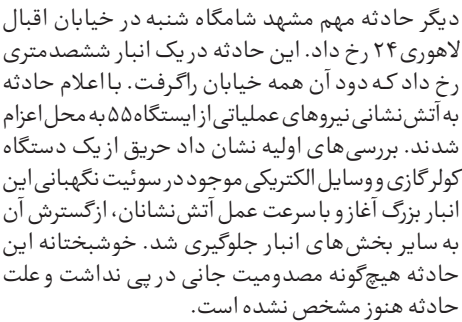


## زدودن شاخ و برگ آتش و مرگ روی بام

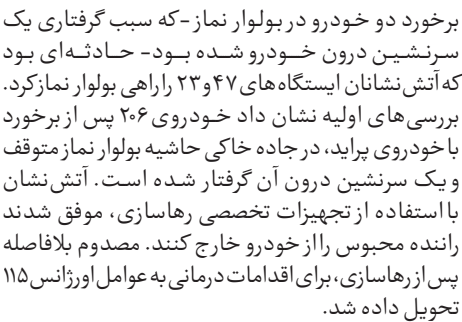
## ● حمله دیو سرخ به فضای سبز



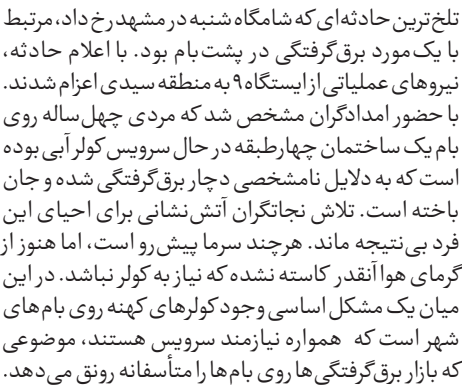
● غافل‌گیری نگهبان در سوئیت نگهبانی



● دوئل خودروها در تقاطع نماز



● مرگ ہنگام سرویس کولر



سعيد جلايان

**گزارش**

پسر بسیار با شخصیت بود و با رفتار خوبی که بادیگران داشت، اهالی آوارا فردی موجه می دانستند که کاری به کار کسی ندارد و به قول معروف سرش توی لاک خودش است؛ اما دو نکته درباره زندگی این پسر موجب شک اهالی به او شده بود؛ اول اینکه هیچ کس نمی دانست که او چه کاره است و شغلش چیست، چون به راحتی زندگی و بدون دغدغه پول خرج می کرد. دومین نکته ای که از چشم اهالی دور نمانده بود، موضوع خریدن او در پاتوق های اعتیاد و هم نشینی با کارتن خواب ها بود، آن هم در شرایطی که خودش معتاد نبود. همین موضوعات اهالی متعقله خواجه ربیع را به این نتیجه رساند که موضوع را حداقل برای مشورت با پلیس در میان بگذارد. در پی اعلام این موضوع به پلیس، رسیدگی به پرونده به کلانتری خواجه ربیع سپرده شد. سرهنگ علی برزونی، رئیس کلانتری خواجه ربیع، با هدف راستی آزمایی و رسیدگی به این پرونده دستور استیاری تخصصی صادر و تیمی از مأموران را مسئول رسیدگی به پرونده کرد. با توجه به آدرس و مشخصاتی که شهروندان از متهم داده بودند، مأموران با حضور در محل، موفق به شناسایی پسر جوانی شدند که به دنبال کارتن خواب ها می گشت. پسر بدون بداندن زبان در چتر اطلاعاتی مأموران قرار گرفته است، مشغول به سرافکندگی بود و با پیدا کردن یک معتاد متجاهر به سراغ او رفت و پلیس متوجه شد که چک و چانه زدن پسر، با معتاد، بر سر خرید سیگار است این کارتن خواب است. آن ها آن قدر فکر کردیم صحبت بودند که هیچ کدام متوجه حضور مأموران نشدند.

تیم تحقیق پس از جمع آوری مستندات کافی، دستور بازداشت و بازرسی متهم را از مقام قضایی دریافت کرد. مأموران کلانتری خواجه ربیع پس از این هماهنگی، پسر جوان را در حالی که مشغول شمارش چند ورق تراول پنجاه هزار تومانی بود دستگیر و در بازرسی بدنی، از او تعدادی سیم کارت کشف و ضبط کردند.

● ردپای کثیف در شبکه های اجتماعی

پسر جوان پس از انتقال به مقر پلیس خودش را «مانی» معرفی کرد. او در واکنش به سؤالات تخصصی مأموران،

پلیس باتلاش گسترده، به تله مجازی زوج یابی در مشهد پایان داد

منکر انجام هرگونه جرمی شد تا اینکه پس از هماهنگی،  
مأموران گوشی همراه او را روشن کردند.

به محض بالا آمدن صفحه گوشی، پسر جوان یکی پس از دیگری پیامک و پیام از شبکه های اجتماعی مختلف دریافت کرد؛ اما توجه مأموران بیش از محتوای پیام ها به نرم افزارهای نصب شده روی گوشی جلب شد. سرجوان تقریباً همه نرم افزارهای شبکه های اجتماعی شناخته شده در کشور را به همراه تعدادی نرم افزار هوش مصنوعی مخصوص ساخت صوت و تصویر درگوشی اش نصب کرده بود.

در حالی که متهم همچنان منکر انجام هرگونه  
جرمی بود، مأموران تعدادی از شبکه های اجتماعی  
نصب شده روی گوشی او را باز کردند. به ظاهر همه این  
نرم افزارها متعلق به کاربری معمولی بود، اما پلیس  
خیلی زود متوجه شد که تصویر پرو فایل هر کدام از این  
شبکه ها، به نام و تصویر دختران جوان ناشناس است.

● بازی خطرناک با آبروی مردان

متهم که تصور نمی‌کرد به همین راحتی لو برود، وقتی که مأموران قصد بازکردن نرم افزارهای هوش مصنوعی او را داشتند، با صدای بلند گفت: «خودم اعتراف می‌کنم.» پسر جوان که گویا نگران بود به بسیاری از مسائل متهم شود، در اظهاراتی عجیب گفت: «من یک کلاهبردار هستم؛ البته کلاهبرداری که تنها مردان هوس بازی که می‌خواهند به همسران خود خیانت کنند، کلاهبرداری می‌کنند.»

پسر جوان روی یک صندلی نشسته و در ادامه با اشاره به شبکه‌های اجتماعی نصب شده روی تلفن همراهش گفت: «من باید یادگان‌هایی در شبکه‌های اجتماعی خودم را از آن جوان معرفی می‌کردم. همچنین تصاویری را با هوش مصنوعی می‌ساختم و به عنوان زنان دیگر در گروه می‌گذاشتم. باتلفیاتی که در گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی در هر کدام از این کانال‌ها در شبکه‌های اجتماعی اعضای زیادی پیدا کردم. من برای اینکه مردان را قوی‌تر دهم، از هر کدام از ایند میلی‌جرتی برای چت شخصی می‌گرفتم. پس از او ایند پول اولیه، برای دستاورد شغف و پول بیشتر درخواست می‌کردم. من با تمام طعمه‌های من که نمی‌خواستند پول اولیه‌شان از بین برود، حاضری می‌دشند پول بیشتری برای من واریز کنند. به همین شکل من توانستم در چندین استان کشور افراد هوس بازی را پیدا کنم.»

عَصَا: خَصَا، عَصَا

شکایت نمی‌کنند. البته من تعداد دقیق قربانیان را نمی‌دانم، چون بسیاری از آن‌ها پول اندکی برای سفر و ویزا خریدند، اما با سی‌هزار نفر این خطر ندارم. می‌خواستم سیستم کارت جدید بخرم.»

پس از ثبت اعتراضات متهم و بررسی محتوای گواهی او، تلاش پلیس برای تماس با باسکگان آغاز شد. هرچند همه‌طور که متهم گفته بود، برخی از طعمه‌ها درگرفت و گوی تلفنی با پلیس مشترک هرگونه واریز پول یا ارتباط مجازی با این اکانت نشدند. تعدادی از مال باخته‌ها هر کدام مبالغی نزدیک به ۵ میلیون تومان پرداخت کرده بودند، و به‌ویژه در استان‌های مرکزی کشور، اعلام کردند که برای ثبت شکایت از متهم به مشهد خواهند آمد. تلاش پلیس برای رسیدگی به این پرونده ادامه دارد.

● از ترس آبرو

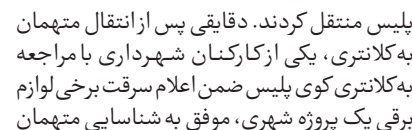
منتهم مدعی شد که تازه‌ها را است و گفت: «من تازه  
اسم کار را شروع کرده‌ام. برای همین تازه به  
اسم کار می‌گشتم تا فعالیت را گسترش دهم.  
آخرین فریب من گذاشتن قرار حضوری بود.  
شماره‌ای را که از آنجا خواب‌های خریدم به عنوان  
شماره یک زن جوان به مشتری‌های می‌دادم. آن  
که تماس می‌گرفتند، من بزم افرا تغییر بدام شروع  
به حرف زدن می‌کردم. برخی افراد به من مشکوک  
می‌شدند، اما وقتی می‌دیدند تالان چند بار پول  
میده‌ام، برای اینکه پولشان نرسد، پولی که در  
درد در خواست کرده‌بودم، می‌پرداختند. پس از پرداخت  
من و شماره و اکانت آن‌ها را در شبکه‌های  
اجتماعی می‌فروشم و می‌کردم. تصور من این بود  
که هیچ‌کدام یک از این مردان از ترس آبروشان

# دستگیری سارقان تیر چراغ برق!

د. شاکعی در گزارش خود مدعی شد: «این دو متهم والی ساعت ۱۰:۱۰ با مداد مشغول سرقت پایه چراغ‌ها شدند که من آنان را دیدم.»

## ● کندن زمین برای استخراج سنگ انگشتر!

سازش و ثبت اطلاعات جدید درباره متهمان، مأموران بازجویی جداگانه از آن‌ها پرداختند. یکی از متهمان پس از شنیدن اتهامات جدیدش مدعی شد: «ما برای خوردن طالبی به آنجا رفته بودیم. یکی هم آنجا حضور داشت و ملا خودش کیف واژمان را شکافت و مدعی بود که ما داد نمی‌دانیم چرا». او همچنین گفت: «یکی دیگر از متهمان نیز ضمن تکرار برخی ادعاهای همدستش درباره‌جویی گفت: «پس از خوردن طالبی شروع به کندن زمین کردیم و من می‌خواستم سنگ‌های شروع‌کننده استخراج از زمین کشیده شود. اما متهمان دیگر که شاکتی و فروزنمند شویم، من اشتغال را روی کلاه‌های فلز و لوازمش را در میان وسایل ما گذاشت». متهمان برای انکار جرائم سودی نداشت و به‌هرای روند رسیدگی به جرائم خود راهی دادسرا شدند.



اما این تلاش برای فرار سودی نداشت و مأموران در حالی که این دو متهم هنوز دویست متر هم طی نکرده بودند، آن‌ها را دوباره دستگیر کردند. پس از دستگیری مجدد، مأموران بلافاصله آنان را به مق

سید جلالیان با مامدان روز گذشته مأموران کلاتری  
نوی پلیس هنگام گشت زنی در محدوده حوزه  
حفاظتی خود بودند که دو مرد جوان را دیدند  
که زمین را به منظور سرقت یک تیر چراغ برق کوچکی  
می‌کنند. مأموران در عملیاتی سرزنی آن  
را محاصره و دستگیر کردند. هرچند متهمان  
حین سرقت دستگیر شده بودند، مدعی شدند  
که جرمی مرتکب نشده‌اند، اما در بازرسی  
آزان‌ها، دو پیچ گوهشی، یک انبردست، یک  
دسته کلید حاوی سوییچ خودروی پراید و... کشف  
و ضبط شد.

پلیس از کشف این اقلام، مأموران دو مته‌م را دستگیر  
برای انتقال به کلانتری آن‌ها را به داخل گشت پلیس  
منتقل کردند. در جریان انتقال این دو مته‌م، هنوز  
خودرویی پلیس کامل را نیتشاده بود که دو مته‌م  
در تصمیمی دور از ذهن و عجیب ناگهان در خودروی  
پلیس را باز کردند و از خودروی در حال حرکت پایین  
پریدند. آن‌ها بلافاصله از روی زمین بلند شدند  
و خلاف جهت حرکت خودروی گشت پلیس شروع  
به فرار کردند.

**کشتی جنگی**  
نوعی بیوند

**حکم دولتی**  
د پنداری

**مدفن**  
ابن سینا

**پدر به مرتب**  
مرتبان

**موتور سیکل**  
ژانیهی بزرگوهی

**آش ساده**

**حرف پیروزی**  
موهوم

**سخت پدر**  
لنت

**کشور**  
دانوب شغل

**صمغ**  
زرد رنگ من

**لرزانک**

**میوه**

نظرها و انتقادهای خود را  
در باره مطالب روزنامه  
بامادر میان بگذارید.

۵-۳۷۷۸۸۸۸۱-۵۱  
۳۰۰۰۷۲۸۹  
تلفن پیامک

**شهر خراسان جنوبی**

**پدر مرده**  
پرنوفا

**از مصالح ساختمانی**  
انتها

**دوستی**  
عصو سنا

**پیشمانی**  
نان ضخیم سنتی

**گله مندی**  
پایمان پناهگاه

**پوثرین**  
کشتی گیر امریکایی

**کشتی جنگی**  
نوعی بیوند

**حکم دولتی**  
د پنداری

**مدفن**  
ابن سینا

**پدر به مرتب**  
مرتبان

**موتور سیکل**  
ژانیهی بزرگوهی

**آش ساده**

**حرف پیروزی**  
موهوم

**سخت پدر**  
لنت

**کشور**  
دانوب شغل

**صمغ**  
زرد رنگ من

**لرزانک**

**میوه**

نظرها و انتقادهای خود را  
در باره مطالب روزنامه  
بامادر میان بگذارید.

۵-۳۷۷۸۸۸۸۱-۵۱  
۳۰۰۰۷۲۸۹  
تلفن پیامک

**شهر خراسان جنوبی**

**پدر مرده**  
پرنوفا

**از مصالح ساختمانی**  
انتها

**دوستی**  
عصو سنا

**پیشمانی**  
نان ضخیم سنتی

**گله مندی**  
پایمان پناهگاه

**پوثرین**  
کشتی گیر امریکایی